

تدوین مدل آینده پژوهی در معماری مسکن بافت فرسوده به مثابه ابزاری برای برنامه ریزی بازآفرینی

شهری - نمونه موردی : شهر سنندج

فرخ عبودی: دانشجوی دکتری تخصصی گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

farokhobodi@gmail.com

محمد رضا پاکدل فرد: استادیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

rezapakde12000@yahoo.com

حسن ستاری ساربانقلی: دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

sattarisarbangholi@gmail.com

چکیده

مشکلات کنونی معماری و شهرسازی شهر سنندج، ناشی از عدم شناخت دقیق آینده شهری و معماری مربوط به آن است. اگر وضعیت امروز شهر سنندج نتیجه آینده‌نگری زمان گذشته بوده، پس اشکالات عدیده‌ای در شیوه برنامه‌ریزی و نحوه شناخت ما از آینده در گذشته برای شهرسازان و معماران آن زمان وجود داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که آینده پژوهی در فرایند برنامه ریزی شهری و معماری شهر سنندج جایگاه ویژه‌ای دارد که ضرورت تدوین چشم اندازه‌های آینده معماری و شهرسازی را رقم می‌زند. مقاله حاضر سعی دارد فرآیند بازآفرینی معماری مسکونی در بافت فرسوده با رویکرد آینده پژوهی شهر سنندج را تحلیل و ارزیابی نماید. بدین منظور ابتدا شاخص‌ها در سه بعد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و محیطی - اکولوژیکی از منابع مختلف استخراج گردید، سپس از میان کل بافت شهر سنندج، ۶ منطقه که دارای بافت فرسوده می‌باشد به طور نمونه انتخاب گردیده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و از ابزارهای انجام تحقیق (پرسشنامه، مطالعات میدانی، تحلیل بصری، نرم افزارهای آماری (SPSS)، GIS، 3D MAX و...) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه شاخص‌ها رعایت نشده است و این مسئله مشکلات زیادی را در این نقاط به بار آورده است. اگرچه رویکرد آینده پژوهی ممکن است تضاد منافع و آسیب رساندن به زندگی روزمره به خصوص در بخش سکونت را به دنبال داشته باشد.

کلید واژه : آینده پژوهی، بافت فرسوده، مسکن، بازآفرینی، سنندج.

از زمانی که مردم جهان متقاعد شدند که مطالعه و بررسی آینده امکان پذیر است زمان زیادی نمی‌گذرد. تا پیش از نیمه‌های قرن نوزدهم، حرف زدن از آینده مترادف با رمل، اسطرلاب، طالع بینی و کف بینی و ... بود. همه فکر می‌کردند سالی که نکوست از بهارش پیداست اما آینده پژوهی به تدریج رشد کرد و آینده پژوهان سعی کردند به ما بفهمانند که اگر در زندگی چیزی هست که اندیشیدنی و واقعاً مهم باشد آینده است (کورنیش ۱۳۸۵). ابزار اندیشیدن به آینده دور و بررسی پیامدهای دراز مدت اقدام‌های انسان‌ها سابقه طولانی دارد. کارهتی زیادی بر روی این ابزار انجام شده و منبعی غنی از تجربه و استدلال فراهم شده است. این میراث فکری شالوده ای است که به یاری آن می‌توان سیاست دراز مدت را به گونه ای معنا دار تحلیل کرد و همچنین برای پیگیری دیگر بحث‌ها از آن بهره جست (وحیدی مطلق ۱۳۸۵: ۱۹). بخش مسکن را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های توسعه در یک جامعه دانست، این بخش با ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی خود اثرات گسترده‌ای را در ارائه ویژگی‌ها و سیمای جامعه به مفهوم عام دارد و این بخش را کانون توجهات عمومی قرار داده است. از سوی دیگر، به دلیل اشتغال‌زایی این بخش و ارتباط آن با بسیاری از بخش‌های دیگر اقتصادی، به عنوان ابزاری مناسب در جهت تحقق سیاست‌های اقتصادی، تلقی می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۵). امروزه مسکن یکی از مسائل حاد کشورهای در حال توسعه است، به طوری که مهاجرت‌های داخلی، مشکلات مربوط به عرضه زمین، فقدان منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نداشتن برنامه‌ریزی جامع مسکن و سایر نارسایی‌هایی که در زیرساخت‌های اقتصادی این کشورها وجود دارد، از یک سو و افزایش شتابان جمعیت شهرنشین از سوی دیگر تأمین سرپناه در این کشورها را به شکلی غامض و چندبعدی درآورده است (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۰)؛ بنابراین با تداوم توسعه شهرها در آینده پیش‌بینی‌ها حاکی از افزایش هرچه بیشتر تخریب‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی در مناطق شهری است. به دنبال این تحولات و نگرانی‌ها امروزه نظریه توسعه پایدار که پیدایش آن به دهه‌های آخر قرن بیستم بازمی‌گردد؛ بیش از پیش قوت گرفته است. در این میان با توجه به نقش پر رنگ شهرها در پیدایش ناپایداری کنونی، نظریه توسعه پایدار شهری از اهمیت فراوانی برخوردار گردیده و با توجه به اثرات گسترده مسکن بر محیط‌های شهری در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار شهری، بخش مسکن نقش بسیار مهمی را در این میان بر عهده دارد (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵). به طوری که در حال حاضر کمتر جامعه‌ای، چه در کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه پیدا می‌شود که بتواند مدعی حل ریشه‌های معضل مسکن در ابعاد کمی و کیفی آن شود (شفقی و خوب آید، ۱۳۸۰: ۶۳)، اما این معضل در کشورهای در حال توسعه به دلایلی که ذکر نمودیم، به صورت حاد و بحرانی درآمده است. از این رو امروزه مسئله مسکن در آغاز یک تحول بزرگ قرار گرفته است؛ چنانکه بحران کیفیت مسکن بر مسئله بحران کمیت غلبه کرده است که دلیل آن را باید در اتخاذ سیاست‌هایی دانست که کشورهای در حال توسعه برای حل معضل مسکن، "هرچه سریع‌تر ساختن"، "کوچک، تر ساختن" و "هرچه ارزان‌تر ساختن" را در دستور کار خود دارند. اینک از پیامدهای این روند آن است که ساکنان شهرها و محله‌های برپاشده به روش انبوه‌سازی، از کمبودها و نواقص بسیاری رنج می‌برند و در حقیقت از زندگی کردن در یک فضای مناسب برای زیست محروم‌اند و لذا کیفیت نازل این خانه‌ها باعث کاهش تقاضای واقعی مسکن نخواهد شد و الگوی معماری مسکن هویت بخش به کلی از یاد برده می‌شود. زیرا ساکنان آن‌ها همواره مترصد موقعیتی از نظر مالی هستند تا این خانه‌ها را با خانه‌های مناسب‌تر تعویض کنند. از سوی دیگر، این مسکن باعث پیدایش محلات بی کیفیت و بعضاً جرم خیز و تشدیدکننده رفتارهایی بر ضد هنجارهای جامعه خواهد شد. در حقیقت این خانه‌های انبوه‌سازی شده تبدیل به زاغه‌های نوساز شده‌اند. با توجه به رشد فزاینده جمعیت در شهرها طی دهه‌های اخیر و تبدیل روستاها به شهر همچنین روی آوردن جمعیت جوان از روستاها به شهرها و عدم کفایت بودن مسکن هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی مشکلات فراوانی را باعث گردیده است. با این مقدمه رساله حاضر سعی دارد با رویکرد آینده پژوهی مسائل و مشکلات معماری شهر سنج را تبیین و تحلیل نماید.

بیان مسئله

تقریباً همه کشورهای جهان در حال تجربه پدیده «شهری شدن» هستند. بر اساس آمار سازمان ملل بیش از نیمی از جمعیت جهان (۵۴ درصد) در سال ۲۰۱۴ در شهرها زندگی می‌کردند که پیش بینی می‌شود این تعداد تا سال ۲۰۵۰ به ۶۶ درصد برسد. افزایش جمعیت شهری چالش‌های جدی را به همراه داشته است، از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «شهری شدن فقر»، نابرابری‌های اقتصادی و افزایش شکاف بین گروه‌های درآمدی، مشکلات اجتماعی و آلودگی‌های زیست محیطی اشاره کرد (گلابجیکف و بادیانان، ۱۳۹۴: ۹). «بافت‌های فرسوده شهری» و حاشیه نشینی نیز از نتایج نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر است که به موجب صنعتی شدن شتابان و نابرابری‌های منطقه‌ای شکل گرفته است (فرج پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۰). با توجه به روند سریع تغییرات در سبک زندگی، بعد خانوار، موازنه‌ی جمعیتی شهرها و روستاها و مسائلی از این دست، بازآفرینی شهری و تغییرات الگوی معماری مسکن و بافت‌های فرسوده‌ی شهری در کل جهان بیش از پیش لازم و ضروری به نظر می‌رسد. برای رسیدن به این منظور، باز آفرینی معماری بافت مسکونی با رویکرد آینده نگارانه می‌تواند در حل این مسئله به معماران کمک شایانی بنماید. آینده پژوهی یک ضرورت است، زیرا تجربه نشان داده موفقیت سازمان‌ها در گرو درک سریع متغیرهای محیطی و پیش بینی تهدیدات و فرصت‌ها و احراز آمادگی‌های لازم است. مضافاً که هدف آن، ادراک و غلبه بر نیروهای درازمدت تغییر، به جهت ارائه‌ی تصویرهای بدیل و مطلوب از آینده به منظور حفظ و گسترش رفاه و امنیت بشری است (مظفری، ۱۳۸۹: ۲۵). تفکر درباره آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. واکنش بدون تفکر به آینده

امکان پذیر است، اما کنش امکان پذیر نیست، چرا که عمل نیاز به برآورد دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیش‌بینی‌های اقدامات فعلی ما هستند. بنابراین آینده امری است که مردم می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. مردم برای آنکه عاقلانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش‌های دیگران و نیروهایی را که خارج از کنترل آن‌هاست بررسی کنند. این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال وقوع را بفهمند، بلکه می‌کوشند امری را که شاید اتفاق بیفتد یا بالقوه امکان وقوع دارد و یا تحت شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد نیز بشناسند (میینی دهکردی، ۱۳۸۷). یکی از ویژگی‌های آینده، عدم قطعیت است. با این وجود آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیات که ریشه در گذشته و حال دارند می‌توانند رهنمون ما به سوی آینده باشند. ادامه تصمیم‌گیری بر اساس چندین آینده متحمل و یا تجارب گذشته، غفلت از رصد تغییرات آینده را در پی خواهد داشت و باعث تلخ‌گامی می‌گردد. عدم قطعیت نهفته در آینده، برای بعضی توجیه‌کننده عدم دوراندیشی آنان است و برای برخی دیگر منبعی گران‌بها از فرصت‌ها است (راسل، ۱۳۸۱: ۸۰). امروزه مقوله مسکن اهمیت به‌سزایی در زندگی جوامع شهری یافته است، به طوری که این امر به یکی از تأثیرگذارترین مؤلفه‌های سنجش کیفیت و رفاه شهروندان تبدیل شده و کم و کیف دسترسی و یا عدم دسترسی به آن، معیار سنجش پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانوارها و افراد محسوب می‌شود تا جایی که میزان دستیابی به مسکن از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه در جهان کنونی بوده و عدم دستیابی به آن نیز چه بسا جامعه را در رسیدن به اهداف بلند مدت توسعه خود ناکام بگذارد. نبود برنامه ریزی جامع و نوین برای این امر همواره یکی از نقاط ضعف شهرها در تقابل با این مشکل بوده است و در برخی از شهرها نیز این عدم توانایی خود را در اشکال مختلف حاشیه‌نشینی، حلبی‌آبادها و منظره‌های بدقواره شهری به نمایش گذاشته است. این مسئله ضرورت برنامه ریزی مسکن را به خوبی نشان می‌دهد، لذا شهرها برای جلوگیری از بروز تأثیرات آن بر کیفیت و رفاه شهروندان، نیازمند برنامه ریزی یکپارچه با رویکردی نوین برای شناخت چالش‌های آینده هستند تا بتوانند در تقابل با این چالش‌های پیش‌رو غافل‌گیر نشده و اهرم کنترل و مدیریت آینده را به دست گیرند و بتوانند آینده‌ای مطلوب برای خود طراحی کنند. آینده‌پژوهی مفهوم گسترده‌ای است که ویژگی‌های موج سوم مدیریت (تعبیر برای انطباق با محیط آینده) در آن معنا می‌یابد، به طوری که در آینده‌پژوهی جوامع و سازمان‌ها با تعامل و هم‌اندیشی و به دور از هرگونه بخش‌نگری به استقبال دگرگونی‌های آینده‌پژوهی می‌روند و می‌کوشند خود را نه تنها با محیط فعلی بلکه با محیط آینده سازگار و هماهنگ سازند. آینده‌پژوهی بیانگر طیف وسیعی از رویکردهایی است که باعث بهبود فرآیند تصمیم‌گیری می‌شوند. رویکردهایی که تفکر در مورد آینده بلندمدت را به همراه دارند و به همان میزان هم به فرآیند تصمیم‌گیری راهبردی و برآوردهای هوشمندانه توجه دارد؛ این فرآیند در عین حال به شبکه‌سازی نیز می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۷: ۴۷). آینده‌پژوهی دانش و معرفتی است که چشم مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده باز نگه می‌دارد؛ ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده مردم را می‌کاهد (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵). آینده‌پژوهی، اصول و روش‌های مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح‌ها و اقدامات در خصوص علوم و فنون مرتبط با آینده است. آینده‌پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آن‌ها آینده‌بديل و احتمالی را ترسیم می‌کند. لذا آینده‌پژوهی، ابزاری برای معماری و مهندسی هوشمندانه آینده است (Gelen & Gordon, ۱۹۹۴). اجرای اقدامات بصورت پراکنده و مقطعی در کشور که نتیجه نگاه صرف اقتصادی، کارکردی مسئولان و مدیران شهری بوده، همچنین وسعت بالای بافت‌های فرسوده و نبود راهبردهای روشن و نگرش علمی و جامع آینده‌نگر در زمینه برنامه ریزی، مدیریت و کاهش اینگونه بافت‌ها، سبب شده بافت‌های فرسوده شهری با مشکلات نابسامانی کالبدی، فقر شهری، امنیت و ایمنی ساکنان، کمبود خدمات، کاهش منزلت اجتماعی و تنزل ارزش اقتصادی روبه‌رو باشند. به طوری که شهر سنج به عنوان یکی از مهمترین و بزرگترین شهر کشور با دارا بودن قدمتی طولانی در سکونت، بر اثر تحولات تکنولوژیک، تغییر در نیازهای زیست‌پذیری، اجتماعی، اقتصادی و گسترش فضایی و بی‌رویه آن، اکنون از حیث کالبدی و فیزیکی، بافت سنتی معابر، فرسودگی واحدهای مسکونی، کمبود تجهیزات، زیرساخت‌ها و خدمات شهری و مشکلات زیست‌محیطی دچار نارسایی گردیده و به بافت‌های ناکارآمد و مسأله‌دار تبدیل شده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد که رویکرد آینده‌پژوهی به کمک ساختار مدیریتی کارآمد و ابتکار عمل بتوانند با مشارکت حداکثری ذینفعان، کارشناسان ماهر و متخصصان و استفاده بهینه از منابع موجود در جهت رفع موانع و مشکلات بافت‌های فرسوده موجب ایجاد توسعه شهری پایدار در آینده شود.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

در فرآیند شهرنشینی باید به همه جنبه‌های زندگی شهری که می‌تواند شهر را به سمت پایداری سوق دهد، توجه شود. فرم و شکل شهر نیز یکی از ابعاد فیزیکی و فضایی زندگی شهری است که خواسته یا ناخواسته، مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند بر همه ابعاد و جوانب زندگی شهری موثر باشد. علاوه بر آن، با رشد و گسترش سریع شهرنشینی در ایران، شهرداری و سازمان‌ها کمتر توانسته‌اند به چنین موضوعاتی بپردازند و الگوی رشد و توسعه شهرها را به صورت مناسب پیش ببرند. به همین علت، امروز بسیاری از شهرهای ایران، از جمله شهر سنج دچار رشد و گسترش فضایی نامنسجم و کم‌تراکمی شده‌اند که در اصطلاح برنامه ریزی شهری از آن به اسپرال شهری یا گسترش افقی شهر نام می‌برند. توسعه میان‌افزا، استراتژی معقولانه و منطقی برای جلوگیری از گسترش بدون برنامه و نامنظم شهرها است. این نوع توسعه به معنای استفاده از آن دسته از اراضی است که می‌توان به سهولت از آنها در خدمت تسهیلات و امکانات و تجهیزات شهری استفاده کرد. این نوع توسعه در داخل محدوده موجود شهرها به عنوان یکی از مظاهر توسعه فشرده، به صورت چندوجهی با ظرفیت‌سازی توسعه از درون شهرها، موجب صرفه‌جویی در مصرف زمین، استفاده بهینه از زیرساخت‌ها و تاسیسات موجود شهری، سبب استفاده اقتصادی از زمین‌های شهری و ارتقای کیفیت کالبدی و اجتماعی در سطح

مجلات می‌گردد. پژوهش‌هایی که به نحوی با رویکرد آینده‌پژوهی و بافت فرسوده شهر در ارتباط هستند، در این زمینه پژوهش‌های زیادی به منظور تلفیق مباحث آینده‌نگاری و بافت فرسوده شهری صورت گرفته که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

جدول ۱: پیشینه تحقیق (منبع: نویسندگان)

ردیف	نویسنده	تاریخ	عنوان تحقیق	نتایج	ارتباط با تز
۱	Nick Gallent	۲۰۰۶	Planning on the edge(planning at the rural-urban	ارائه الگوی طراحی کالبدی روستاهای حاشیه شهرها و ارائه الگوی کالبدی مناسب با در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی	ارتباط مفهومی طراحی کالبدی با معماری مسکن، زیرا مسکن بخشی از بافت کالبدی شهر می‌باشد
۲	David W.Orr	۲۰۰۶	Design on the edge	ارائه الگوی طراحی در نقاط حساس برنامه ریزی	تاکید بر نقاط حساس برنامه ریزی، لبه‌ها، بافت فرسوده، مرکز شهر و ...
۳	Bart R. Johnsons	۲۰۰۲	and Ecology design	ارائه شاخص‌های اکولوژیکی در طراحی کالبدی	تاکید بر شاخص‌های اکولوژیکی، زیست‌محیطی شاخص‌های اکولوژیکی یکی از بخش‌های معماری مسکن می‌باشد.
۴	Thomas H.Russ	۲۰۰۹	Site planning and design	طراحی و مکان‌یابی پایدار شهری و روستایی و ارائه الگوی مناسب	تاکید بر بحث مکان‌یابی، زیرا مکان‌یابی در تمامی کاربرها از جمله کاربری مسکونی نقش تعیین‌کننده و قابل‌تأمل دارد.
	Cliff Moughtin	۱۹۹۵	Urban design ornament and decoration	ارائه شاخص‌های مهم و عوامل تأثیرگذار در طراحی کالبدی شهر	توجه به شاخص‌های اکولوژیکی در طراحی کالبدی دارد.
۵	گوده و دورانس	۲۰۱۱		با استفاده از تحلیل اثرات متقاطع، ۱۰ عامل کلیدی موثر شناسایی شد. این عوامل شامل نوسازی شهری، حس آرامش و آسایش، کیفیت عایق صوتی، گواهینامه کیفیت، نقش قلمرو جمعیتی، سالخوردگی جمعیت، کارایی هزینه‌های عمومی، تنوع در تقاضا، کنترل بهداشت، جمعیت فعال و تغییر وضعیت مالکیت براب مجتمع‌های شخصی هستند.	تجربه آینده‌نگاری سازمان ملی فرانسه در ارتباط با بهبود وضعیت مسکن فرانسه برای سال ۲۰۱۰
۶	گلدستن	۲۰۱۲		هدف از این برنامه کمک به طراحی نقشه کاربری زمین برای منطقه ساحل شمال اوهیو با تأکید بر بخش کشاورزی بوده است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد، متغیرهای کالبدی و تأثیرگذار در کاربری این منطقه، سیستم آبیاری زمین و نحوه فروش زمین در آینده است.	سناریوهای سرمایه‌گذاری منطقه‌هاوایی ایالات متحده
۷	ادموند سی ام هو	۲۰۱۲		در صدد تدوین رویکرد جامع برای بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد هنگ‌کنگ برآمد. این پژوهش با روش تحقیق تطبیقی به بررسی تحقق بازآفرینی شهری در	بازبینی رویکرد بازآفرینی شهری در هنگ‌کنگ با بررسی پیشینه دانش بازآفرینی در

	کشورهای مختلف پرداخته است. متغیرهای تطبیقی این پژوهش عبارتند از: مقایسه ساختارهای برنامه ریزی، تعداد سیستم برنامه ریزی، میزان توسعه مجدد شهری، نقش و رویکرد اتخاذی دولت و میزان مشارکت عمومی.	آمریکا و انگلیس و تجارب خارجی کسب شده در ژاپن و کره جنوبی و سنگاپور			
۸	دنیس راندینلی	۱۹۵۰	مطالعاتی بر روابط شهر و روستا در نواحی پیرامونی شهرها با محوریت سیاست توسعه.	محقق نظریه وابستگی را با تأکید بررسی می‌کند و در نتیجه می‌گوید که هدف نهایی، توسعه ناحیه ای است بنابراین هر گونه تصمیم‌گیری و برنامه ریزی باید حول این هدف مهم دور بزند.	تاکید بر روابط شهری و روستایی به عنوان یکی از فاکتورهای موثر در عرضه و تقاضای مسکن.
۹	سید مصطفی حسینی، محمد رحیم رهنما، محمد شکوهی، امید علی خوارزمی	۱۳۹۹	تحلیل عوامل موثر بر الگوی شهر سبز با رویکرد آینده پژوهی در کلانشهر مشهد	نتایج نشان داد که شاخص مشارکت زیست محیطی با امتیاز ۶۸ دارای بیش‌ترین میزان تاثیر گذاری مستقیم بر سایر شاخص‌های تحقیق است.	تاکید بر مطالعات آینده پژوهی که ارتباط مفهومی با تحقیق حاضر دارد.
۱۰	سیده فاطمه امامی، علیرضا دربان آستانه	۱۴۰۰	شناسایی پیش‌ران‌های موثر بر توسعه کالبدی روستایی استان گیلان با رویکرد آینده پژوهی	نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد وضعیت کالبدی روستایی در استان گیلان تا حدودی پایدار است. ده عامل اصلی کلیدی در آینده توسعه کالبدی روستایی استان گیلان، می‌توان گفت که مواردی چون وجود عوامل رفاهی، امکانات، درآمد، آب و هوا، قدمت و بافت، بیش‌ترین اثر گذاری مستقیم و وجود آب و هوای مناسب، بازارچه‌ها، ناهمواری، توریستی، کاربری مناسب، بیشترین اثر گذاری غیر مستقیم را داشته‌اند.	تاکید بر مطالعات آینده پژوهی که ارتباط مفهومی با تحقیق حاضر دارد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

بافت‌های فرسوده و نقاط حاشیه نشین شهری در استان کردستان تأثیرات زیادی را از هم جواری با شهر پذیرفته‌اند به صورتی که هم ساختار یک بافت اصیل گذشته را ندارند و هم نمی‌توانند الگویی کالبدی مثل محله‌های اصیل شهر را داشته باشند. با وجود جمعیت قابل ملاحظه این نقاط از نظر برنامه ریزی رد پای یک طرح و اصل علمی را نمی‌توان در آنها یافت. نقاطی با ساخت و سازهای غیر قانونی، برنامه ریزی کالبدی نامنظم، ساختار اقتصادی کاذب و فضای اجتماعی ناهمگن و تنش‌زا، چهره‌ای است که از این شهر با شکوه و پر صلابت قدیمی به ذهن متبادر می‌شود. با توجه به چنین مشکلات و موارد دیگری از این قبیل، این پژوهش در پی یافتن آینده پژوهی مناسب برای چنین نقاطی می‌باشد. در سال‌های اخیر به دنبال ازدیاد جمعیت و افزایش ساخت و سازها در استان کردستان، طراحی کالبدی به کلی دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است. باتوجه به مشاهدات میدانی و انجام تحقیقات اولیه مشخص گردید که یکی از مهم‌ترین علل این مسائل، عدم توجه به معیارهای طراحی بومی و مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی است که نمودهای عینی آن ملموس و قابل رویت است. برنامه ریزی کالبدی و طراحی کالبدی، مدیریت زمین و کاربری اراضی شهری و معماری مسکن یک ضرورت اساسی می‌باشد. نوع کاربری اراضی شهری و به کارگیری زمین آرایش فضایی و در نهایت بافت کالبدی شهر را عینیت می‌بخشد. در نتیجه لازم است نظریه‌ها، برنامه ریزی و روش شناسی مطلوب و مناسب برای کاربری زمین اتخاذ گردد تا بتوانیم شاهد ارتقای طراحی کالبدی در محیط شهر باشیم. مشاهده‌ی مشکلات عینی در معماری مسکن استان کردستان ضرورت چنین پژوهش‌هایی را ایجاب می‌نماید. الگویی معماری که ساختار سنتی خود را از دست داده نتوانسته خود را با نیازهای امروز وفق دهد. ارائه الگوی مناسب معماری مسکن اجتناب ناپذیر است اما ضروری است که متناسب با پتانسیل‌ها و موانع و مواهب مکان، الگویی درخور برای آنها تعریف شود.

- پژوهش حاضر در پاسخ به این مسئله انجام شده است و چنین مطالعه ای جهت ارائه الگوی مناسب معماری مسکن در استان کردستان و خصوصاً شهر سنندج، ضروری بوده و راهی برای ایجاد تعادل فضایی می‌باشد که از آرمان‌های علم معماری است.
- به دلایل زیر طراحی الگوی کالبدی مبتنی بر شاخص‌های ایرانی اسلامی اجتناب ناپذیر است:
- تقویت و احیای هویت ایرانی اسلامی ساکنان شهری؛
 - تقویت حس تعلق به مکان و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه؛
 - کاهش اثرات ناگوار بر روی منابع آب و خاک؛
 - پاسخ گویی به نیازهای تراکم؛
 - رعایت استانداردهای مناسب؛
 - نظم دهی به ساخت و سازها و یکنواخت نمودن رویه‌های ساخت و ساز در محیط شهرها؛
 - توجه به اثرات حظ بصری بر آرامش روان ساکنان و بهبود عملکرد آنان؛
 - نیاز روان شناختی برای امنیت و تقاضا برای انگیزش؛
 - نیاز عاطفی ساکنان، ایجاد حس در خانه بودن، حفظ یکپارچگی معماری؛
 - طراحی برای نیاز ادراکی، مسیریابی آسان؛
 - راحتی فیزیکی؛
 - افزایش جذابیت محیط مصنوع و تسهیلاتی برای تجارب زیباشناختی در احساس زیبایی؛
 - توجه به مدیریت زمین و مدیریت کاربری اراضی شهری؛
 - احیای ارزش‌های ملی و مذهبی در نمودهای عینی برنامه ریزی شهری؛
 - مدیریت مرحله گذار در تغییرات کاربری اراضی شهری؛
 - نشان دادن اعتقادات و باورهای ملی مذهبی در بعد بصری برنامه ریزی شهری؛
 - اهمیت مسکن در زندگی شهروندان استان کردستان به عنوان یک کالای اساسی؛
 - تغییرات سبک زندگی در سالهای اخیر و لزوم توجه به آن؛
 - ارزش اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و هنری مسکن؛
 - ارتباط آموزه‌های معماری با مسکن؛
 - تطبیق معماری مسکن استان کردستان با جغرافیای طبیعی و انسانی استان کردستان؛
 - ارتقای نقش علم معماری در فرآیند بازآفرینی بافت‌های فرسوده و نقاط حاشیه نشین شهری در استان کردستان؛
 - پر رنگ نمودن شاخص‌های سبک زندگی ایرانی اسلامی و تجلی آن در مسکن.

اهداف تحقیق :

۱. شناسایی فلسفه حاکم بر اجرای خطوط و شکل های هندسی در بنای معماری مسکن در بافت فرسوده شهری.
۲. شناخت عوامل موثر در اجرای طرح های هندسی معماری مسکن.
۳. الهام بخشی شاخصه های کاربردی معماری مسکن مذکور برای کاربرد آن در معماری آینده.

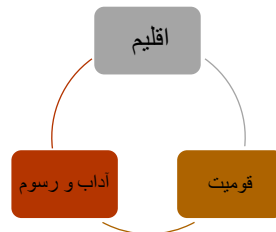
روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله، اسنادی - توصیفی است که بنا به ماهیت تحقیق که (معرفت نظری) و (رویکرد بنیادی) دارد، از روش (تحلیل استدلالی) و (تبیین توصیفی)، بهره برده است. روش گردآوری اطلاعات و داده های پرسش نامه بر اساس مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و میدانی است. در قسمت مطالعات اسنادی و کتابخانه ای برای رسیدن به اطلاعات مورد نظر، از منابع اینترنتی، کتاب ها و جدیدترین مقالات فارسی و لاتین بهره گرفته شده است. پرسشنامه ها از طریق گروه کارشناسان و خبرگان و صاحب نظران حوزه برنامه ریزی و توسعه مسکن تکمیل شده است. برای بررسی مسائل فضایی تحقیق اساس کار نقشه پژوهی بوده که با روش بصری - دیداری و مقایسه ای نقشه های مختلف بررسی و مطالعه شده است. در مرحله بعدی که تجزیه و تحلیل یافته ها و طبقه بندی آنها می باشد با استفاده از نرم افزار (SPSS) اطلاعات پرسشنامه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر همین مبنا فرضیات آزمون و نتیجه حاصل شده است.

جنبه‌های نوآوری تحقیق

مهم‌ترین جنبه نوآوری این تحقیق، توجه به معماری مسکن در یک استان مرزی با اقلیم کوهستانی و قومیت و آداب و رسوم خاص خود می‌باشد که برنامه ریزی و توجه ویژه ای را می‌طلبد. شاید در استان‌های معمولی دغدغه‌هایی کلیشه ای مطرح باشد اما در این استان مسائل جدیدی بروز می‌کند که برنامه ای ویژه، نگاهی متفاوت و الگویی متمایز می‌طلبد. همچنین پژوهش حاضر به لحاظ بین رشته ای بودن (معماری، عمران، جغرافیا،

اقتصاد، محیط زیست و...)، نگاهی جدید به معماری مسکن دارد. این پژوهش به لحاظ محتوا و ارایه الگوی برنامه ریزی کالبدی، روش شناسی و مطالعه تطبیقی سطوح معماری مسکن دارای ایده و راهکار نو می‌باشد.



شکل ۱: توجه به معماری مسکن در استان کردستان با توجه به اقلیم کوهستانی و قومیت و آداب و رسوم (منبع: نویسندگان)



شکل ۲: معماری مسکن در استان با توجه به ویژگی‌های اقلیم کوهستانی و قومیت و آداب و رسوم (منبع: نویسندگان)

فرضیه پژوهش

۱. مولفه های آینده پژوهی در بازآفرینی بافت تاریخی و کیفیت زندگی شهر سنج افزایش می یابد.
۲. توجه به مولفه های آینده پژوهی در بازآفرینی باعث جلوگیری از توسعه بی رویه شهر به صورت افقی می شود.
۳. بازآفرینی محلات مسکونی باعث نوزایی بافت تاریخی شهر می شود.

سوالات پژوهش

۱. ساختار معماری مسکن در استان کردستان از چه اصولی تبعیت می نماید؟
۲. موقعیت رویکرد آینده پژوهی در معماری مسکن استان کردستان چگونه است؟
۳. آینده پژوهی چگونه می تواند در تحلیل مسائل معماری مسکن استان کردستان به معماران کمک نماید؟

مبانی نظری

به دلیل گستردگی و پیچیدگی مفهوم مسکن و ابعاد متنوع آن نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه داد. به طور کلی «مسکن» به عنوان مکان فیزیکی، سرپناهی است که نیازهای اجتماعی، روانی و امنیتی اعضای خانواده در آن تأمین می‌شود. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در دومین اجلاس اسکان بشر "Habitat" که در تاریخ ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد، مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنی آسایش، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است، که همه‌ی این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود». بسیاری از پژوهش‌های معتبر و علمی که در حوزه سیاست‌های تأمین مسکن صورت گرفته اند، بیانگر این موضوع اند که تأمین مسکن و سیاست‌های مربوط به آن در کشورهای در حال توسعه، به ویژه برای گروه‌های کم درآمد شهری، به یکی از مهمترین چالش‌های شهری بدل شده و تبلیغات متعدد اقتصادی - اجتماعی منفی خود را نیز در پی داشته است. از

Smith, 1971; Grigsby, 1975; Hughes and Bleakly, 1975; Jakson, 1976; (Franklin, 2006; Mitlin and Satterthwait, 2004; Jenkins et al, 2007) تا تحقیقات جدید مانند Hughes, 1977 همگی دارای دیدگاه‌های بسیار مشترکی در زمینه چالش‌های تأمین مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد شهری، چه در کشورهای در حال توسعه و چه توسعه یافته، هستند. مسکن به مکانی با امکانات مکفی برای اقامت گفته می‌شود که یک یا چند خانوار به عنوان خانمان از آن استفاده کنند. خانه، آپارتمان، خانه سیار و خانه شناور انواع مسکن هستند. با افزایش جمعیت جهان، تأمین مسکن به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی-اجتماعی تبدیل شده است. بیشتر دولت‌ها دارای نهادهای شبیه وزارت مسکن هستند و تلاش می‌کنند از طریق وام مسکن به تأمین مسکن برای شهروندان بپردازند. برنامه ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه ریزی شهری محسوب می‌شود که در آن فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جزئی از فعالیت‌های درون مکانی و واحدهای مسکونی جزئی از فضاهای تغییر شکل یافته و تطابق یافته شهری محسوب می‌شود که بر حسب موضوع در چارچوب برنامه ریزی مسکن مورد توجه قرار می‌گیرد. بر همین اساس برنامه ریزی مسکن با تخصیص فضاهای قاب سکونت به نیازهای مسکونی و توجه به محدودیت مناسب و استفاده از تیوری‌ها و روش‌های ویژه با چهارچوب اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی سروکار دارد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۵). برنامه ریزی مسکن مبتنی بر یک فرآیند پایدار، یکی دیگر از اصول مهم در برنامه ریزی مسکن به منظور دستیابی به رضایتمندی سکونتی است. به عبارت دیگر برنامه ریزی مسکن، یک پروژه با پایان تعریف شده نخواهد بود، بلکه این آمار در یک فرآیند پایدار مبتنی بر رویکرد راهبردی در امر برنامه ریزی است و فرآیند برنامه ریزی مسکن شامل مراحل زمینه سازی، شناخت، چشم اندازسازی، تعریف راهبردها، سیاست‌ها و طرح‌های اجرایی با توجه به تمام ابعاد کالبدی - خدماتی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی - رفتاری خواهد بود (آجیلیان ممتاز و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹). بنابراین مسکن پایدار به مسکنی می‌گویند که کمترین ناسازگاری و مغایرت را با محیط پیرامون دارد و در پهنه وسیع تر با منطقه و جهان دارد. (Mlecnik 2013:44).

مفهوم مسکن

مسکن اسم مکان است بر وزن مَفْعَل به معنای محل آرامش و سکونت که از ماده سَكَن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام. در دومین اجلاس اسکان بشر در سال (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود.» خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد؛ و سرانجام هنگام پای نهادن به آن به آسایش دست می‌یابیم. در خانه چیزهایی را می‌یابیم که بر آنها وقوف داشته و گرامیشان می‌داریم. ما آنها را با خود از بیرون آورده و به خاطر آنکه بخشی از جهان ما را می‌سازند در کنارشان به زندگی می‌پردازیم. هنگام تحقق بخشیدن به سکونت خصوصی، به آزمون آنچه «آرامش داخلی» خوانده شده می‌پردازیم. برای بشلار خانه قبل از هر چیزی فضا و مکان درونی است. درونی بودن آن در رابطه با بیرون آن، با کوچه و خیابان، رودخانه و مزرعه، گسترده‌های بیرونی روستا و شهر، دریا و زمین و آسمان، طبیعت و جهان و سرانجام همه هستی معنا و ارزش می‌یابد. برای او مهم‌ترین حسن خانه این است که رویا را در خود می‌پروراند. در نهایت خانه به ما این امکان را می‌دهد که در آرامش در خیالات خود غرق شوی. از زمانی که انسان غارنشین از غارها و شکاف کوه‌ها به پناهگاه‌های امن ساخته دست خویش پا نهاد، مفهوم مسکن آفریده شد. از قضا در این خصوص ابتکار انسان بسیار مؤخر بر پرندگان و حشرات بود و ای بسا که آدمی در ساخت مسکن، از پرندگان الهام گرفته باشد. گرچه شکل و عملکرد مسکن دست ساخت انسان از دوران تمدن‌های نخستین تا امروز تحول بسیار یافته اما یک مفهوم در همه این دوران‌ها ثابت مانده که حتی پرندگان و حشرات نیز در آن مشترک‌اند و آن مفهوم «امنیت» است. برابر نهادن واژه پارسی «خانه» با کلمه عربی «مسکن» تسامحی است که موجب برداشت محدود از واژه وسیع مسکن شده است. در واقع، خانه به معنای «بیت» تازی است و آن جایگاه هر چیز یا انجام کاری است. در حالیکه مسکن مفهومی فراتر از آن دارد و عبارتست از خانه‌ای که استقرار و زیست انسان در آن همراه با سکینه (آرامش و امنیت) باشد. با این توصیف «پناهگاه» مفهوم «مسکن» را بهتر می‌رساند تا خانه. به این ترتیب برای تعریف مسکن باید به «خانه» یک قید کیفی افزود و آن «آرامش و امنیت» است. بشلار فیلسوف فرانسوی مهم‌ترین حسن خانه را در این می‌داند که رویا را در خود می‌پروراند و محافظ رویا پرداز است: «خانه به ما این امکان را می‌دهد که در آرامش در خیالات خود غرق شویم». بنابراین طبق این دیدگاه، فضایی را می‌توان خانه نامید که علاوه بر اینکه حفاظی است برای جسم انسان، کانونی برای افکار و خاطرات و رویاهای او باشد؛ بدون آن انسان موجودی پراکنده است. در پناه

«خانه» صندوقچه خاطراتمان را می‌گشاییم و خاطره، رؤیا و تخیل را به هم می‌آویزیم و همانگونه که هولدرلین در شعر خود می‌گوید: «شاعرانه سکونت می‌کنیم.» واژه «کلبه» این مفهوم خانه را به خوبی در ذهن متداعی می‌نماید، آنچنانکه حتی در نقاشی‌های ساده کودکانه نیز خانه «کلبه» را به صورت کانونی منفرد در فضایی گسترده می‌بینیم. کانونی که نقطه تمرکز افکار و رؤیایها و خاطرات ما و رهاننده ما از وجودی گسسته و نابسامان است. انسان با ساختن خانه، از فراخنای بی‌انتهای پیرامون خود، در یک نقطه گرد می‌آید؛ از پراکندگی و گریزندگی طبیعت به جمع شدن و تمرکز یافتن روی می‌آورد. او در طبیعتی که بدون حضور انسان رها شده و پراکنده و فاقد معنی است، با حضور خود، تمرکز و تجمع و معنی پدید می‌آورد؛ و با بنا کردن خانه به این تمرکز و تجمع واقعیت می‌بخشد. با این کار، او نه تنها درون، بلکه بیرون را نیز به وجود می‌آورد. قبل از حضور انسان و سکنی گزیدن او بر روی زمین، نه درون وجود دارد و نه بیرون. بنابراین، پدید آوردن درون در خانه امری مستقل و جدا از پدید آوردن خود خانه نیست، بلکه خانه، خود درون است، اما درون بدون حضور انسانی که در جایی گرد می‌آید و می‌نشیند و ساکن می‌شود تحقق پیدا نمی‌کند. مسکن نمایشگر وضع «درون» برای ما است. بدین ترتیب، اصل خانه در مفهوم معماری، فضای اندرونی است. در شهر، اگر چه منظره آزاد را بوجود آورده‌ایم، ولی باز خودمان را در بیرون حس می‌کنیم. به طور کلی ما در خانه خودمان تنها بوده و خلوت گزیده‌ایم. موقعی که در خانه خودمان را بروی سایرین باز کنیم، در اینصورت آن جزء اراده آزاد شخصی ما می‌گردد، مردم را می‌پذیریم، بهتر از آنکه این کار را در بیرون انجام دهیم.

بازآفرینی شهری

تعاریف، اهداف و عناصر کلیدی بازآفرینی شهری

واژه "Regeneration" در لغت به معنای بازتولید یا ترمیم طبیعی بخشی از یک تمامیت زنده که در معرض نابودی قرار گرفته است، می‌باشد (Robert, 2000). به نقل از لطفی، (۱۳۹۰). در حوزه حفاظت و مرمت شهری، ابتدا این واژه تا حدودی به عنوان معادلی جدید برای نوسازی "Renewal" به کار می‌رفت، و خود واجد معنای تازه ای نبود؛ ولی به تدریج در مقابل تبعات منفی نوسازی شهری، بار معنایی مثبتی پیدا کرد (لطفی، ۱۳۹۰). واژه باز آفرینی شهری دارای معانی متنوعی برای افراد با تخصص های گوناگون است. از فعالیت های بزرگ مقیاس با هدف افزایش رشد اقتصادی شهر گرفته تا مداخلات در مقیاس محله که به دنبال ارتقای کیفیت زندگی ساکنان است، همه در حیطه بازآفرینی شهری قرار می‌گیرد.

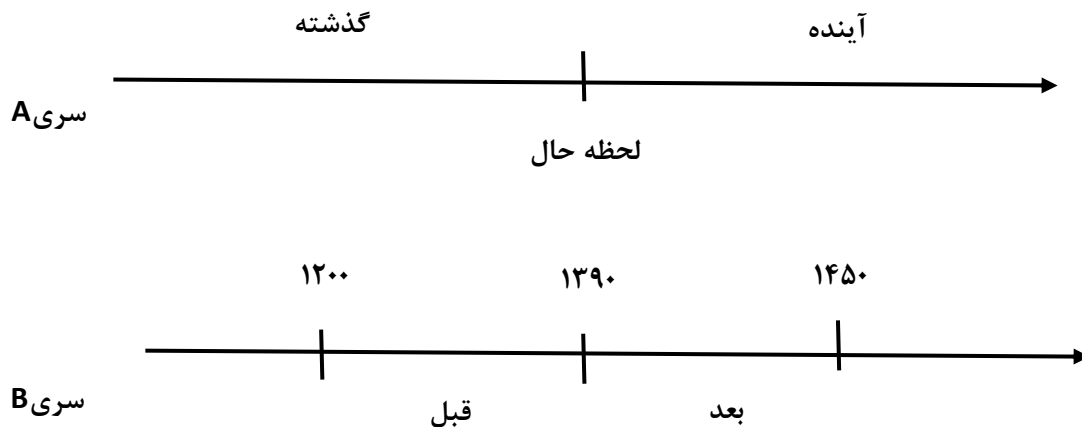
در کتاب بازآفرینی شهری رابرتز^۱، بازآفرینی را این گونه تعریف می‌کند: باز آفرینی شهری دیدگاه و اقدامی جامع و یکپارچه است که به تشخیص و تحلیل مسائل شهری می‌پردازد و در پی یافتن راه حلی در بهبود شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی محدوده‌هایی که مورد تهدید و تغییر قرار گرفته است، می‌باشد (Roberts.P.W.&Hugh,S.,2003).

حبیبی و مقصودی در کتاب مرمت شهری بازآفرینی شهری را این گونه تعریف می‌کنند: باز آفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می‌شوند که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۵). در بازآفرینی شهری، توسعه شهری به مفهوم رشد کمی عناصر کالبدی شهر برای اسکان جمعیت و ارتقا کیفیت زندگی، در قالب طرح‌های توسعه شهری رخ خواهد داد. توسعه درونی شهری در حقیقت بکارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در برنامه ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی شهری و استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم و غیره است (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴).

آینده پژوهی

مفهوم گذشته، حال و آینده اصلی‌ترین درک انسان از زمان است. برای تقسیم بندی زمان به لحاظ تداوم و پیوستگی آن دو نظریه وجود دارد. نظریه اول، نه نظریه سری A نامیده شده است، با دورنمای سه حالت گذشته، حال و آینده مرتبط است. بر اساس این درک از زمان هر واقعه ای قبل از اینکه رخ بدهد مربوط به آینده است، سپس به مجرد اینکه اتفاق افتاد تبدیل به حال و در نهایت تبدیل به گذشته می‌شود. نظریه دوم که نظریه سری B نامیده شده است بر درک قبل و بعد زمان تاکید دارد. بر اساس این تفکر وقایع طی زمان در دو حالت قبل از یکی و بعد از دیگری قرار دارند و این قاعده تغییر نمی‌کند. مباحث مختلفی درباره اعتبار و ماهیت هر کدام از این نظریه‌ها مطرح شده است. از این جمله می‌توان به نظر آدام اشاره کرد که هر دوی این رویکردها به زمان را در درک آن دارای اهمیت و اعتبار می‌داند.

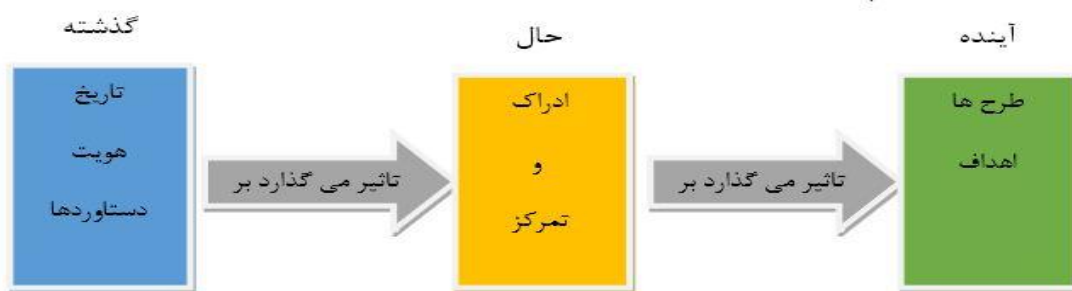
Roberts¹



شکل ۳: نگرش‌های مختلف به زمان - مأخذ: نگارنده در جمع بندی (زیاری، ربانی و موچشی ۱۴۰۱).

از نگرش آینده پژوهی رابطه بین گذشته، حال و آینده دارای اهمیت فراوانی است. گذشته به تاریخ، تجارب، نشانه‌ها، هویت، فضیلت فردی اعتبار می‌دهد. حال به اینجا و اکنون، به لحظه‌های گذار و هوشیاری مربوط است. آینده ترس‌ها، برنامه‌ها، مسئولیت‌ها و آرزوها را در بر می‌گیرد (Slaughter, 1997).

ارتباط میان گذشته و حال و آینده



شکل ۴: ارتباط میان گذشته، حال و آینده - منبع: نویسندگان در جمع بندی (زیاری، ربانی و موچشی ۱۴۰۱).

این روابط بین گذشته، حال و آینده به آسانی می‌تواند در بطن مباحث شهری آورده شود. گذشته در یافت، ترتیب و سلسله مراتب؛ ساختار اجتماعی؛ ویژگی‌های اقتصادی شهر و موقعیت ناحیه ای؛ ملی و بین المللی آن دیده می‌شود. شهر زمان حاضر می‌تواند به مثابه مکانی که روندها و تصمیمات گذشته آن را شکل داده اند و مکان تصمیمات و سیاست‌هایی که آینده آن را شکل خواهند داد شناخته شود. آینده رویاها؛ آرزوها، امیدها و خواسته‌ها و ترس برنامه ریزان، سیاستمداران، تصمیم گیران گ و جامعه را در خود دارد.

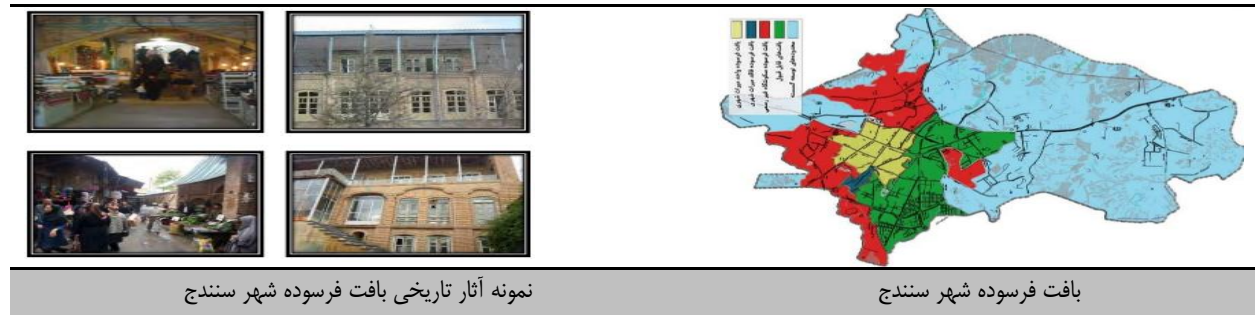
معرفی محدوده مطالعاتی

مرکز شهرستان سنج و استان کردستان است، که در فاصله ۵۲۰ کیلومتری جنوب غربی پایتخت قرار گرفته است. روایت های بسیاری در باب وجه تسمیه نام این شهر کهن و مقدس وجود دارد اما آنچه مورد اجماع است بازگشت این وجه تسمیه به آیین مهر و زرتشت در غرب کشور است. این شهر در قدیم به روی تپه ای در کنار رودخانه قشلاق به نام توس نوذر قرار داشت که احتمالاً بر اثر حمله مغول و یا زلزله ویران شد و پس از آن مرکز حکومت به قلعه حسن آباد که در نزدیکی شهر بود، منتقل شد، پس از آن سلیمان خان اردلان در سال ۱۰۴۶ ه. ق در دوران حکومت شاه صفی مرکز حکومت را از قلعه حسن آباد به شهر سنه انتقال داد و شهر جدید سنج را بنا نمود. امان الله خان در آن دوران معماران، کاشیکاران و استادکارانی را برای تزینات معماری از اصفهان به سنج آورد و بسیاری از المان های زیبای شهری را به وجود آورد. به همین دلیل معماری و شهرسازی آن دوران سبکی اصفهانی به خود گرفت. این ساختار کالبدی فضایی تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی باقی می ماند و بعد از آن دستخوش تغییراتی می شود، که از بحث و حوصله ی این پژوهش خارج است.



محدوده شهر مورد مطالعه (سنندج) روند تاریخی شهر سنندج محدوده بافت تاریخی شهر سنندج

نقشه ۱. نگارنده بر گرفته از مطالعات ایده بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر سنندج، (منبع: شهرداری سنندج ۱۳۸۹: ۴۵).



نمونه آثار تاریخی بافت فرسوده شهر سنندج

بافت فرسوده شهر سنندج

تصویر ۱. نگارنده بر گرفته از مطالعات ایده بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر سنندج، (منبع: شهرداری سنندج ۱۳۹۳).

روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

در این تحقیق با توجه به ماهیت آن، حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران محاسبه شده است. شیوه نمونه گیری در این پژوهش خوشه ای می باشد که نمونه های مورد نظر بر اساس معیارهای جمعیت شناختی، سن، سواد، شغل و سایر معیارهای منطبق بر اهداف پژوهش چون: قدمت محله، میزان فرسودگی، جمعیت، تراکم، اهمیت بافت مسکونی، اهمیت اقتصادی و... همتا سازی شده و سپس به طور تصادفی انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این پژوهش خوشه ای چند مرحله ای است. بر اساس تخصیص متناسب نسبت به تعداد محلات شهری در سنندج که تعداد ۶ محله بود، خانوارهای نمونه انتخاب شدند.

روش گرد آوری داده ها

ابزار سنجش و اندازه گیری وسایلی هستند که محقق به کمک آنها می تواند اطلاعات مورد نیاز را برای تجزیه و تحلیل و بررسی پدیده مورد مطالعه و نهایتاً کشف حقیقت گردآوری نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴). یکی از ویژگی های مهم تحقیقات توصیفی - تحلیلی، استفاده از ابزارهای رسمی و استاندارد گردآوری داده ها می باشد که با دو شیوه داده های ثانویه و اسنادی و طراحی و استفاده از پرسشنامه و یا انجام مصاحبه حضوری با افراد جامعه داده های مورد نیاز تحقیق جمع آوری می شود. در این تحقیق بخش اصلی داده ها از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. این تحقیق دارای دو پرسش نامه بود. ابتدا پرسش نامه شماره (۱) برای متخصصان تهیه شد که شاخص های معماری مسکن در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی به روش طیف لیکرت مشخص نمودند. متخصصان عموماً فرماندار، شهردار، اساتید برنامه ریزی شهری، و معماری بودند. سپس پرسش نامه متخصصین تحلیل و شاخص ها وزن دهی، استاندارد و نهایتاً رتبه بندی شدند. براساس نتایج پرسش نامه متخصصان پرسش نامه شماره (۲) در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی پرسشنامه ای طراحی شد و از پاسخگویان خواسته شد به این سوالات که در حال حاضر وضعیت شاخص های معماری مسکن را چگونه ارزیابی می کنید، در قالب ۵ طیف گزینه ای (لیکرت) خیلی زیاد، زیاد، تاحدوی، کم و بسیار کم علامت گذاری کنند. بدین ترتیب وضعیت شاخص های معماری مسکن مورد سنجش قرار گرفت. لازم به ذکر است که در طیف لیکرت گزینه های نامناسب و کم دارای پایین ترین امتیاز و گزینه های مناسب و زیاد دارای بالاترین امتیاز می باشند. ابزار گردآوری اطلاعات برای پاسخگویی به سؤال اول پرسشنامه محقق ساخته می باشد و برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق علاوه بر استفاده از این ابزار همچنین از نرم افزار GIS برای سنجش طراحی و معماری مسکن بافت فرسوده شهری سنندج استفاده گردید. همچنین با توجه به نیاز و ماهیت پژوهش از ابزارهای زیر نیز جهت رسیدن به نتیجه مطلوب استفاده شده است: مشاهده (بررسی میدانی محقق)، پرسشنامه (پرسشنامه تکمیل شده توسط ساکنین)، مصاحبه (مصاحبه با مسئولین اجرایی شهر و محققین و صاحب نظران مطلع)، آمار نامه های جمعیتی (مرکز آمار ایران)، نقشه موجود شهر (استاندارد کردستان)، مطالعات کتابخانه ای (کتابها، مقالات و آرشیو مطالب)، روش های بصری و مقایسه ای (جدول، نمودارها، نقشه ها و...)، به منظور تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق، ابتدا پرسش نامه تکمیل شدند، سپس داده های کد گذاری شده و به نرم افزار SPSS داده شد. پس از انجام عملیات آماری از جدول توزیع فراوانی،

درصد، میانگین، نمودارها و ... استفاده شد. هم چنین جهت آزمون و سنجش مولفه ها و ابعاد کالبدی از آزمون T تک نمونه ای و آزمون کای اسکویئر و تحلیل واریانس استفاده شده است.

یافته های پژوهش

عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق، معماری مسکونی در بافت فرسوده شهری می باشد. در این بخش در قالب جداول زیر ابتدا تعاریف نظری و سپس تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق بیان می شود. متغیرهای مورد تاکید در معماری مسکونی در سه بعد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و محیطی طبقه بندی شده اند.

بحث و آزمون فرضیه

الف : برای بررسی فرضیه تحقیق شاخص ها را در سه بعد طبقه بندی نموده ایم. این سه بعد عبارتند از : بعد اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و محیطی کالبدی. برای هر بعد ۲۰ سوال طراحی شده بود که ۴۵۰ نفر نمرات بین ۱ تا ۵ خود را به سوالات دادند. فرض بر این بود که اگر نمرات کمتر از ۳ حاصل شده باشد، نشان می دهد که در بافت فرسوده منطقه مورد نظر، رویکرد آینده پژوهی با شاخص های ایرانی - اسلامی رعایت نشده است. پس از بررسی نمرات حاصله از پرسش نامه مشخص شد عموماً شاخص ها از ۵ نمره، نمرات پایین از ۳ گرفته اند و میانگین نمرات ۴۵۰ نفری که به هر سوال پاسخ داده اند حدود ۲ تا ۳ می باشند. در اکثر گویه ها نمرات پایینی به دست آمده و از میانگین نمرات کل ۲۰ گویه دوباره میانگین گرفته شده که از ۵ نمره ۲.۷۶ حاصل شده است. این نشان می دهد بافت فرسوده شهر سنج در بعد فرهنگی - اجتماعی با رویکرد آینده پژوهی طراحی نشده اند. وجود مسایل و مشکلات زیادی نیز که در بعد اجتماعی - فرهنگی قابل لمس است نیز مویده این مسیله می باشد. در بررسی های میدانی نیز با مسایلی به صورت متوالی برخورد شد که منشا آن بی نظمی های اجتماعی - فرهنگی می باشد. در بعد اقتصادی نیز عموماً نمرات پایینی حاصل شده و میانگین ها ۲.۷۳۳ به دست آمده است که نشان دهنده عدم شاخص ها در بعد اقتصادی می باشد. عدم رعایت شاخص ها در این بعد شدت بیشتری نیز دارد. میانگین های به دست آمده برای بعد کالبدی محیطی نیز ۲.۷۳۶ را نشان می دهد که باز هم زیر ۳ می باشد. در مجموع برای هر ۳ بعد نمرات کمتر از ۳ حاصل شده و بر این اساس می توان گفت بافت فرسوده معماری مسکن از شاخص ها تبعیت نمی کند. پس فرضیه به صورت توصیفی مورد تایید قرار می گیرد.

یافته های پژوهش

عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق، معماری مسکونی در بافت فرسوده شهری می باشد. در این بخش در قالب جداول زیر ابتدا تعاریف نظری و سپس تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق بیان می شود. متغیرهای مورد تاکید در معماری مسکونی در سه بعد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و محیطی طبقه بندی شده اند.

بحث و آزمون فرضیه

الف : برای بررسی فرضیه تحقیق شاخص ها را در سه بعد طبقه بندی نموده ایم.

این سه بعد عبارتند از : بعد اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و محیطی کالبدی. برای هر بعد ۲۰ سوال طراحی شده بود که ۴۵۰ نفر نمرات بین ۱ تا ۵ خود را به سوالات دادند. فرض بر این بود که اگر نمرات کمتر از ۳ حاصل شده باشد، نشان می دهد که در بافت فرسوده منطقه مورد نظر، رویکرد آینده پژوهی با شاخص های ایرانی - اسلامی رعایت نشده است. پس از بررسی نمرات حاصله از پرسش نامه مشخص شد عموماً شاخص ها از ۵ نمره، نمرات پایین از ۳ گرفته اند و میانگین نمرات ۴۵۰ نفری که به هر سوال پاسخ داده اند حدود ۲ تا ۳ می باشند. در اکثر گویه ها نمرات پایینی به دست آمده و از میانگین نمرات کل ۲۰ گویه دوباره میانگین گرفته شده که از ۵ نمره ۲.۷۶ حاصل شده است. این نشان می دهد بافت فرسوده شهر سنج در بعد فرهنگی - اجتماعی با رویکرد آینده پژوهی طراحی نشده اند. وجود مسایل و مشکلات زیادی نیز که در بعد اجتماعی - فرهنگی قابل لمس است نیز مویده این مسیله می باشد. در بررسی های میدانی نیز با مسایلی به صورت متوالی برخورد شد که منشا آن بی نظمی های اجتماعی - فرهنگی می باشد. در بعد اقتصادی نیز عموماً نمرات پایینی حاصل شده و میانگین ها ۲.۷۳۳ به دست آمده است که نشان دهنده عدم شاخص ها در بعد اقتصادی می باشد. عدم رعایت شاخص ها در این بعد شدت بیشتری نیز دارد. میانگین های به دست آمده برای بعد کالبدی محیطی نیز ۲.۷۳۶ را نشان می دهد که باز هم زیر ۳ می باشد. در مجموع برای هر ۳ بعد نمرات کمتر از ۳ حاصل شده و بر این اساس می توان گفت بافت فرسوده معماری مسکن از شاخص ها تبعیت نمی کند. پس فرضیه به صورت توصیفی مورد تایید قرار می گیرد.

ب : یافته های استنباطی تحقیق

انجام آزمون t تک نمونه ای برای ابعاد فرضیه، برای تایید فرضیه تنها به تحلیل توصیفی اکتفا نشده است. برای این فرضیه آزمون t تک نمونه ای برای مقادیر جمع شده هر سه بعد فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و محیطی و همچنین برای مجموع این سه بعد در SPSS مشاهده می شود، محاسبه گردیده است.

جدول ۲. نتایج آزمون (تی) برای سه بعد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی و جمع این ابعاد (منبع: نویسندگان)

مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون = ۳								
مولفه ها	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد	
							مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
فرهنگی	۲/۷۶۵۱	۰/۴۳۸۷۵	۰/۰۲۰۶۸	-۱۱/۳۹۲	۴۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۵۰۰	-۰/۱۹۴۴
اقتصادی	۲/۷۳۳۶	۰/۳۸۷۸۵	۰/۰۱۸۳۰	-۱۴/۵۵۹	۴۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۶۴۸	-۰/۲۳۰۵
محیطی	۲/۷۸۵۷	۰/۴۵۸۴۳	۰/۰۲۱۶۱	-۹/۹۲۳	۴۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۴۴۴	-۰/۱۷۲۰
کل	۲/۷۶۲۱	۰/۳۲۸۹۳	۰/۰۱۵۵۲	-۱۵/۳۳۵	۴۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۸۰۵	-۰/۲۰۷۵

با توجه به مقادیر جدول ۹، که مربوط به نتایج آزمون t می باشد، چون سطح معنی داری (sig) با سطح اطمینان ۹۵٪ از ۰/۰۵ کمتر می باشد (sig= 0/00) در نتیجه فرض صفر رد می شود و فرضیه پژوهشگر تایید می گردد. به عبارت دیگر می توان گفت که در تک تک ابعاد سه گانه یاد شده و همچنین جمع این سه بعد، توجه به آینده نگر و توجه به شاخص های ایرانی اسلامی رعایت نشده است.

۱. آزمون chi – square برای فرضیه تحقیق

برای فرضیه هم چنین آزمون chi – square در هر سه بعد فرهنگی اجتماعی اقتصادی و محیطی گرفته شد. با توجه به مقادیر به دست آمده چون سطح معنی داری (sin) کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه می توان گفت تفاوت بین موارد مشاهده شده و مورد انتظار به لحاظ آماری معنا دار است و می توان فرضیه صفر را رد و فرضیه محقق را تایید کرد. به عبارت دیگر می شود گفت که در سه بعد فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و محیطی در بعد بافت فیزیکی فرسوده شهر سنج شاخص ها به خوبی رعایت نگردیده است.

۲. آزمون واریانس یک طرفه (one – way anova) برای فرضیه تحقیق

برای اینکه از بررسی کامل فرضیه اول مطمئن شویم آزمون واریانس یک طرفه (One-Way ANOVA) را برای مقادیر جمع کل ابعاد سه گانه فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و محیطی و همچنین جمع کل ابعاد را محاسبه و برآورد نموده ایم.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در ابعاد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی و کل این ابعاد (منبع: نویسندگان)

مولفه ها	-	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آزمون F	سطح معناداری
مجموع شاخص فرهنگی	بین گروهی	۱۳/۶۱۹	۳۰	۰/۴۷۰	۲/۷۰۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۲/۸۱۲	۴۲۰	۰/۱۷۳		
	مجموع	۸۶/۴۳۱	۴۴۹			
مجموع شاخص اقتصادی	بین گروهی	۶/۳۸۱	۳۰	۰/۲۲۰	۱/۵۱۱	۰/۰۴۶
	درون گروهی	۶۱/۰۱۲	۴۱۹	۰/۱۴۶		
	مجموع	۶۷/۳۹۳	۴۴۸			
مجموع شاخص محیطی	بین گروهی	۱۵/۸۷۶	۳۰	۰/۵۴۷	۲/۹۳۰	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۸/۴۸۵	۴۲۰	۰/۱۸۷		
	مجموع	۹۴/۳۶۱	۴۴۹			
جمع بندی	بین گروهی	۶/۹۲۰	۳۰	۰/۲۳۹	۲/۴۰۶	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۱/۵۵۱	۴۱۹	۰/۰۹۹		
	مجموع	۴۸/۴۷۱	۴۴۸			

همان طور که از جدول ۶ استنباط می شود، سطح معنا داری (sig) در هر چهار بخش کمتر از ۰/۰۵ می باشد و به لحاظ آماری در ابعاد فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و محیطی و کل ابعاد بافت فرسوده شهر سنج تفاوت معنا داری قابل مشاهده است. غیر از این مسئله که در شهر به طور کلی شاخص های ایرانی - اسلامی رعایت نشده، بین آنها نیز تفاوت هایی قابل مشاهده است. همچنین این آزمون با توجه به دامنه تغییرات مقدار کای اسکور به دست آمده برای هر گویه طیف بندی شهر سنج را در هر بعد و همچنین جمع ابعاد را نشان داده است.

بحث و نتیجه گیری

مدل استراتژیک برای برنامه ریزی توسعه هسته تاریخی شهرها با ویژگی های زمینه ای مشابه، می تواند به عنوان یک مدل پایدار توسعه هسته تاریخی شهرها با رویکرد بازآفرینی پایدار در پرتو تغییرات مداوم باشد. در این مدل برنامه ریزی توجه به دارایی های تاریخی، کالبدی، هویتی،

فرهنگی و اقتصادی نقش بسزائی در فرایند بازآفرینی و آینده پژوهی به عنوان پدیده محوری توسعه در هسته‌های تاریخی خواهد داشت. در این پژوهش، با روش آینده پژوهی (نمود اقتصادی)، توجه به بافت فرسوده و ترقی آن به عنوان مهم‌ترین محور تأثیرگذار در توسعه و بازآفرینی شهری هسته تاریخی شهر سنندج شناسائی شد. براین اساس و با رویکردی آینده پژوهی، می‌توان از ظرفیت‌ها، دارایی‌ها، استعدادها و برندهای کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هسته تاریخی در راستای بازآفرینی و برنامه‌ریزی توسعه بافت تاریخی شهر سنندج دست یافت. البته در این فرایند، توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی و ذینفعان و ذی‌نفعان به همراه جریان‌سازی اجتماعی در بافت مذکور می‌تواند نقش موثری در ارتباط با برنامه‌ریزی آینده پژوهی در بافت را ایفاء نماید. با این حال، الزامات مهم برای چنین رویکردی نظیر مدیریت ترافیکی و حمل‌ونقل، تاسیسات و تجهیزات شهری مناسب و جلوگیری از تخریب ابنیه ارزشمند تاریخی، ضروری است. از منظر اجتماعی نیز می‌توان انتظار داشت که با برنامه‌ریزی درست در بافت و هسته تاریخی، شاهد ارتقاء جریان‌سازی اجتماعی، میل به تداوم سکونت در بافت، افزایش مشارکت‌های مردمی، افزایش سرمایه و اعتماد اجتماعی، روحیه خودانگیزگی اجتماعی، افزایش دلبستگی به مکان و همچنین روحیه مسئولیت‌پذیری نسبت به حفظ و نگهداری بافت خواهیم بود. به این ترتیب، و با در نظر گرفتن برنامه‌ریزی آینده پژوهی پایدار می‌توان ضمن پاسخ به تغییرات جهانی و محلی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نیازها و منافع طیف وسیعی از ذینفعان و ذینفعان را بصورت واقع‌بینانه با فرصت‌های توسعه هماهنگ کرد.

منابع و مأخذ

۱. کشف آینده (۱۳۸۷)، خبرنگار الکترونیکی، کانون آینده پژوهان ایرانی، شماره‌های اول، دوم، سوم گروه مطالعات آینده‌نگر (۱۳۹۱) ضرورت‌ها و مبانی معرفت‌شناختی آینده پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. معاونت برنامه ریزی و راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸۶)، مبانی سند چشم‌انداز کشور، www.mporg.ir.
۲. کشف آینده (۱۳۸۷)، خبرنگار الکترونیکی، کانون آینده پژوهان ایرانی، شماره‌های اول، دوم، سوم گروه مطالعات آینده‌نگر (۱۳۹۱) ضرورت‌ها و مبانی معرفت‌شناختی آینده پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. معاونت برنامه ریزی و راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸۶) مبانی سند چشم‌انداز کشور www.mporg.ir.
۳. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶)، دانش واژه آینده پژوهی، ترجمه کرامت زاده، عبدالحمید؛ محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۴. آینده بان (۱۳۹۵)، رسانه تخصصی آینده پژوهی، آینده پژوهی ایران.
۵. بحرینی، س، ح، ایزدی، م و مفیدی، م. ۱۳۹۳. رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۹، ۱۷-۳۰.
۶. بزرگی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «روش‌های پژوهش در حوزه آینده اندیشی»، ماه کتاب علوم اجتماعی، شماره ۱۴ (اردیبهشت)، صص ۱۹-۱۴.
۷. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۰)، طرح هادی و کالبدی ۳۰ روستای انتخابی استان کردستان، دفتر فنی و مطالعات بنیاد مسکن، سنندج.
۸. پاتر، رابرت بی؛ سلی لویید، ایونز؛ (۱۳۸۴)، شهر در جهان درحال توسعه؛ مترجمین، کیومرث ایران‌دوست، مهدی دهقان منشادی، میترا احمدی، انتشارات سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور، چاپ اول، تهران.
۹. پامیر، س. ۱۳۹۲. آفرینش مراکز شهری سرزنده. ترجمه مصطفی بهزاد فر و امیر شکبیا منش. چاپ سوم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۰. پور احمد، ا، کیومرث، ح و مشکینی، ۱۳۸۶. بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری. تهران: نشر انتخاب.
۱۱. پور جعفر، م، ۱۳۸۸. مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها. چاپ اول. تهران: انتشارات پیام.
۱۲. پور محمدی، محمد رضا (۱۳۷۹)، برنامه ریزی مسکن، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. پورطاهری، مهدی (۱۳۹۰)، جزوه درسی برنامه ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، درس دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. پورطاهری، مهدی، افتخاری عبدالرضا و بدری، سید علی (۱۳۸۸)، راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تاکید بر تجربیات جهانی، انتشارات بنیاد مسکن.
۱۵. پورمحمدی، محمدرضا حسین زاده ی دلیر، کریم، قربانی، رسول و نادر زالی (۱۳۸۹)؛
۱۶. پورمحمدی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی مسکن، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۱۷. تدبیر (۱۳۸۵)، «آینده شناسی ضرورتی برای ورود مقتدرانه به فردا»، قسمت اول، سال هفدهم، شماره ۱۷۸ (اسفند).
۱۸. خزایی، سعید (۱۳۸۴)، «دیده بانی مبانی و مفاهیم»، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۹. رایسون ریچارد (۱۳۹۱). برنامه ریزی استراتژیک، ترجمه دکتر مهدی خادمی، انتشارات آریانا قلم، چاپ دوم، تهران.
۲۰. رایسون ریچارد (۱۳۹۱)، برنامه ریزی استراتژیک، ترجمه دکتر مهدی خادمی، انتشارات آریانا قلم، چاپ دوم، تهران.
۲۱. ربانی، طاهرا (۱۳۹۱)؛ «روش تحلیل ساختاری، ابزاری برای شناخت و تحلیل متغیرهای مؤثر بر آینده ی موضوعات شهری»، نخستین همایش ملی آینده پژوهی، تهران، صص ۴-۵.

۲۲. ریچارد اسلاتر و دیگران (۱۳۹۰)، نواندیشی برای هزاره نوبین، ترجمه: وحید وحیدی مطلق.

۲۳. زیاری، کرامت الله (۱۳۸۸)، اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۴. زیاری، کرامت اله (۱۳۸۳)، «مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای»، چاپ اول، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

1. Arch, A. F. (2014). Sustainable urban renewal: The Tel Aviv dilemma. *Sustainability*, 6(5), 2527-2537.
2. Abbott J (2005); "Understanding and Managing the the Unknown: the Nature Uncertainty in Planning", *Journal of Planning Education and Research*, 24, PP: 237-254.
3. Afshar,M.(2006) urbanism in islam the middle eastern culture center, the proceedings of the international conference on urban in islam(ICUIT), oct. 22-28, 1989, vol 2 tokyo. japan, 1989.
4. Alexenberg, Melvin L. (2006), *The future of art in a digital age: from Hellenistic to Hebraic consciousness*, Intellect Ltd. p. 55 .
5. Aligica, D. P (2011); A critical realist image of the future Wendell Bell's contribution to the foundations of futures studies. *Futures*, 43, PP: 610-617.
6. Allen Adriana & Julio Davila (2004), *Development planning unit*, university college london.
7. Amer, M., Daim, T. U., & Jetter, A. (2013). A review of scenario planning. *Futures*, 46, 23-40.
8. Anderson, W.P., Kanaroglou, P.S. and Miller, E.J. (1996). "urban form, energy and the environment: a review of issues, evidence and policy" *Urban Studies*, 33(1), pp7-35.
9. Annemarie Schimmel and Barbar Rivolta, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, New Series, Vol. 1, No. 50.
10. Ansoff Jgor. 1975. *Managing Strategic Surprise by Response to Weak Signals*. *California Management Review*. XVIII (33-21 :).2. Winter. Cornish Edward. 2003. "The Wild Cards in our Future." *The Futurist*. 22-18 :37.
11. Arcade, J. M. Godet, M. F. Meunier and Roubelat, F (1999); "Structural Analysis with the MICMAC Method and Actor's Strategy with MACTOR Method", in *Futures Research Methodology*, American Council for the United Nations University: The Millennium Project.
12. Asan, S. S., & Asan, U. (2007). Qualitative crossimpact analysis with time consideration. *Technological Forecasting and Social Change*, 74(5), 627-644.
13. Backhouse, Tim (2009), *Only God is Perfect, Islamic and Geometric Art*, Retrieved 25.
14. Bañuls, V. A., López-Vargas, C., Tejedor, F., Turoff, M., & Ramírez-De la Huerga, M. (2016). Validating Cross-Impact Analysis in Project Risk Management. *Proceedings of the ISCRAM 2016 Conference – Rio de Janeiro, Brazil*.
15. Bao.Shuming(1999), "Identifying urban-rural linkages – Test for spatial effects in the Carlino-Mills Model," university of Michigan.
16. Bell, Wendell (2003); "Foundations of Futures Studies I: History, Purposes, and Knowlwdge", Transaction, Publishers, P.12.
17. Bell.P.Kathleen & Irwin.G.Eena(2002)1, "Spatially explicit micro-level modelling of land use change at the rural-urban interface," *Agriculture Economics*, vol.27,p.217-232.
18. Bertrand , Alian,(2002), *Tehran spatial structure: constraints and opportunities for future development*.
19. Bourne, K (2003); "The Impact of Regional Integration on Regional Power", *JCMS*, Vol. 41, No.4.
20. Branco I. Cavric(2004) *physical planning in botswana*, department of environmental science, university of botswana.
21. Brend, Barbara(1995) , *Islamic Art* ,British Museum Library, Third Edition.
22. Cabe, (2005) , "DESIGN CODING testing its use in England , London".
23. Carmona, M. J. Punter 2002 "From design Policy to design quality" London.
24. Carmona. M. (1998) "URBAN DESIGN AND PLANNING PRACTICE" *Introducing, Urban Design by Greed. C. and Others 1998*.
25. Cezayirli.G(2003), *Technical assistance for rural- urban and subregional linkages in the Mekong region: A holistic approach to development and poverty reduction,*"
26. CMC Administration city of Cape Town (2002) , *Rural management framework for the city of Cape Town ,Vol.1: finding and recommendations, Land use and environmental planners*.
27. Cornish, Edward (2007); "The Study of the Future: An Introduction to the Art and Science of Understanding And Shaping Tomorrow's World", USA: World Future Society.
28. Cowan. R. (2002) "URBAN DESIGN GUIDANCE" Thomas Telford, Pub.

29. Cuhls, Kerstin (2003); "Delphi and Survey Techniques", Technology Foresight for Organizers, 8-12 December, Ankara, Turkey.
30. Dasgupta Biplab (1993), "Public Housing and Migration: A Multi-level Modeling Approach" Int .Jou .Popul .Geo ,Vol.3,P.277.